

نظر اجمالی در مورد عمران، ساختمان و مبارزه با فساد،
دردولت جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت زعامت
زننده یاد ببرک کارمل



در اثر بروز تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و تغییر در مناسبات بین المللی طی دهه های اخیر، شیوه های منازعات و جنگها نیز تغییر نموده، کشورهای بزرگ و قدرتمند در جستجوی راه ها و استفاده از میتوذهای مختلف جهت بدست آوردن سود و سرمایه بیشترگردیده اند؛ به همین منظور تعدادی از کشورهای بزرگ پیشرفته صنعتی، به خصوص امریکا و کشورهای غربی از سالیان نه چندان دور بدینسو، ازتعداد زیاد کشورها ازجمله کشور عزیز ما، جهت برآورده ساختن اهداف شوم شان سؤاستفاده نموده و کشور ما را به خاک و خون کشانیده اند. افغانستان بیشتراز چهار دهه با منازعات و جنگهای اعلان ناشده مواجه بوده، که این امر باعث گردیده تا از نظر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تضعیف شده و بخش عمده زیربناها در کشور منهدم و به نابودی مواجه شوند. دقیقاً این امر، همانا خواست و هدف اساسی کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی بوده که کشور ما بیشتر از پیش به آنها وابسته شده، تا ازین طریق بتوانند به اهداف شوم و غیرانسانی شان نایل گردند.

با وجود مخالفت و تلاش نیمی از کشورهای متجاوز جهان علیه ج. د. ا، دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان با آنهم توانست با متانت، درایت و تدبیر در راستای کار و پیکار جهت پیشرفت و اعمار یک جامعه ملی و مردمی فارغ از هر نوع نابرابری موفقیت‌های شایانی بدست آورد و با ایمان به آینده درخشان موفق به انجام خدمات بزرگ و انسانی گردد.



<https://www.youtube.com/watch?v=smonERu1Ce0>

اهداف اساسی و مبرم مرحله نوین و تکاملی تحول ثور ۱۳۵۷، محور فقر، عقب مانده گی اقتصادی، جهل و بیسوادی، بیکاری، نابرابری، ستم ملی و اجتماعی در افغانستان بود. برای تحقق این امر ایجاد یک اقتصاد مستقل ملی و تسریع آهنگ رشد اقتصادی، بر اساس پلانهای علمی رشد اجتماعی- اقتصادی، تأسیس صنایع مستقل ملی، صنعتی ساختن کشور و بلندبردن سطح زندگی توده های مردم ضروری بود.

تحقق این اهداف به زمان نیاز داشت و عملی نمودن آن صرف با تشریک مساعی وسیع و هدفمند حزب و تمام توده ها امکان پذیر بود. در کشور ما دشواریها و پرابلمهای خاصی در عرصه کار ایدیولوژیک نیز وجود داشت که همه آنها ناشی از موجودیت اشکال مختلف اقتصاد، عدم هماهنگی جامعه ماء، ساختار پیچیده ملی، بقایا و تأثیرات منفی نظریات و اندیشه های

استثماری، ارتجاعی، ناسیونالیستی و نفاق ملی گذشته بود. از اینکه اکثر مردم مابی سواد و یاکم سواد بودند در اثر تجاوز ایدیولوژیک امپریالیزم و ارتجاع منطقه همه این دشواری ها و پرابلم ها تشدید یافته و وضع را بمراتب پیچیده تر گردانید.

منحیث شخصی که با این همه نابسامانی ها و لحظات نهایت ناگوار و غم انگیز عملاً زندگی نموده، درد و الم مردم را با گوشت، پوست و استخوان خود احساس نموده ام، رسالت خود میدانم تا درمورد گوشه‌ از کارکردهای که در آن دوران تحقق یافته چند سطر بنویسم.

من مانند اکثر مردم زحمتکش کشور، این دوره، یعنی سالهای ۱۳۵۸ الی ۱۳۶۴ را با هزاران امید به آینده شگوفان انتظار داشتم زیرا درین سالها هدف اساسی برقراری یک جامعه پیشرفته و فارغ از هرگونه نابرابری بود. ولی متأسفانه در اثر ناسازگاری، مداخلات بی شرمانه و خیانت جبران ناپذیر بعضی ها، همه این آرزوها و انتظارات منهدم و نابود گردیدند.

کشور ما در آن زمان از نظر اقتصادی در ردیف کشورهای فوق العاده عقب مانده فیودالی و ماقبل فیودالی قرار داشت، وضع اقتصادی کشور به هیچ صورت برای حزب حاکم و دولت جدید قابل پذیرش نبود، زیرا وضع اقتصادی موجود قناعت بخش نبوده و نیازمندی های دولت و مردم را از نظر عواید مالی، محصولات زراعتی و صنعتی مرفوع نمیکرد.

از رژیم حفیظ الله امین یک اقتصاد فروریخته، وضع مالی و اسعاری نابسامان، نظام مالیاتی ناتوان، تورم شدید، پول بی پشتوانه، سطح بلند قیم، قحطی گسترده، فساد مالی و اداری حاد به ارث مانده بود. بنأ در برابر حکومت جدید وظایف نهایت دشوار و بزرگ قرار داشت.

سیاست انساندوستانه و انعطاف پذیر بعد از شش جدی ۱۳۵۸ نتایج منطقی خود را به بار آورده و منجر به توسعه پشتیبانی توده ها از سیاست انسان دوستانه دولت ج. د. ا و تضعیف دشمن گردید.

قبل از اینکه در مورد کارکردهای این مرحله عمیق شوم، می‌خواهم مختصراً سخنی چند در مورد شخصیت بی بدیل و والای زنده یاد ببرک کارمل فقید که تحت زعامت مدبرانه‌اش این همه تغییرات چشمگیر صورت گرفت، بیان دارم.

زنده یاد ببرک کارمل با اعتقاد راسخ و درک وسیع از جهان بینی علمی، عاشق مردم و کشورش بود. وی از جوانی تا لحظه مرگ بخاطر ایجاد یک جامعه‌ی دموکراتیک و فارغ از استثمار انسان از انسان، جامعه پیشرفته و عادلانه کوشید و مبارزه کرد. وی ارتجاع، استعمار و امپریالیسم را دشمن اساسی بشریت و عامل اصلی جنگها، فقر، عقب مانده گی و هزاران مصیبت در جهان میدانست.

وی در یکی از سخنرانی هایشان منحیث نماینده مردم در پارلمان افغانستان در دوره شاهی، حکومت شاه را مورد انتقاد قرار داده و بیان نموده بود که آنها از وضع و زندگی مردم آگاه نیستند، آنها نمیدانند که در روستا های دوردست کشور، مردم ما پوست بُز را برتن و نان جو و چای سیاه خوراک دارند.

شادروان ببرک کارمل در زندگی خصوصی خود آدم قانع بوده، زندگی پرتجمل را دوست نداشت و همیشه به همه توصیه میکرد که باید توقعات خود را مطابق وضع و شرایط کشور و سطح زندگی مردم عیار سازند. وی دلسوز مردم و کشورش بود همیشه به مشکلات و معضلات مردم با دقت گوش فرا میداد. توانائی آنرا داشت که ساعتها در پای صحبت یک کارگر زحمتکش ساده بنشیند.

شخصیت برازنده و انسان دوستانه ببرک کارمل فقید بیانگر آنست که در دوره زمامداری وی همه اقوام کشور بدون تبعیض در فضای آرام روحی و وجدائی زندگی میکردند. تفاوت میان خانواده ها نزد وی وجود نداشت.

چنانچه اکادیمیسین غلام دستگیر پنجشیری ماهیت هومانستی شادروان ببرک کارمل را در مورد سردار محمد داؤد طی مقاله بنام: «دو روز خونین تاریخ» چنین مینگارد:

«در زمینه برخورد با سردار محمد داوود نظرات متفاوت بیان شد، ولی ببرک کارمل طرفدار برخورد با انعطاف و نرمش با سردار محمد داوود و خاندانش بود او اصرار میکرد که با سردار محمد داوود و خاندانش برخورد محترمانه شود، زنده بدست آید هرگاه به خاندان سلطنتی به شیوه مسالمت آمیز برخورد شود، نخست ماهیت هومانستی، انسانی و دموکراتیک انقلاب ما آشکار میشود. ثانیاً سنن اخلاقی ملی دینی و قبیله‌یی مردم افغانستان احترام میشود. ثالثاً پیوندهای ایشان با پاکستان، ایران، کشورهای عربی خاورمیانه، مصر، واپسگرایان و امپریالیزم کشف و افشاء میگردد و در آخر انقلاب از پشتیبانی بین المللی و اخلاقی توده های مردم جهان برخوردار میشود. اما حفیظ لله امین از شنیدن این دلایل و پیشنهادهای ببرک کارمل سخت بر افروخته شد و حساسیت شدید نشان داد و کار را تا به آنجا رسانید که در غیاب کارمل و به هنگامی که ببرک کارمل با جگرن هاشم خوستی در مدخل رادیو افغانستان به حالت گفتگو بود، از نور محمد تره کی اجازه خواست تا کارمل را به بهانه وایسته گی با سردار محمد داوود محاکمه صحرائی کند.»

جناب پروفیسور رسول رهین در مقاله تحت عنوان «وضع تاجیکان در دوره زمامداری ببرک کارمل» چنین مینویسد:

«در دوران زعامت حزبی و دولتی ببرک کارمل اوضاع اجتماعی کشور داشت بسود اکثریت مردم مظلوم کشور که بیشتر شان تاجیکان و هزاره های کشور بودند حرکت کند، او سعی کرد تا معاشات کارگران و مامورین پایین رتبه ملکی و نظامی را افزایش دهد؛ کالاهای اولیه مورد نیاز مردم را تدارک نماید، توزیع مواد اولیه ضروری را به قیمت های نازل و چندین قلم آنرا بصورت رایگان از طریق کوپون برای کارگران و کارمندان دولتی و تصدی ها توزیع نماید؛ احداث قصبات کارگری و ساختمانهای رهایشی برای

کارگران و کارمندان دولتی، فامیل های شهدا، معلولین و جانبازان و هنرمندان ایجادگر؛ تأمین خدمات ترانسپورتی، بهداشتی و اجتماعی و دهها موارد دیگر، از جمله اقداماتی بودند که دولت به نفع زحمتکشان و تهی‌دستان جامعه برداشته بود. از نظر زندگی شخصی شادروان ببرک کارمل هیچ‌گاه به داشتن و اندوختن پول و مال و دارایی شخصی فکر نکرده و علاقه نگرفته و تا پایان عمر، یک بسوه زمین، یک خانه‌گیلی و یک هزار افغانی دربانک‌ها نداشت.»

شادروان ببرک کارمل تلاش ورزید، تبعیض، نابرابری و ستمی را که در دوران حفیظ الله امین به اوج خود رسیده بود، کاملاً محو نماید و از طریق پلان‌گذاریهای دقیق در بخشهای عمده اقتصادی، خدمات‌مُثر اجتماعی را، در جهت پیروزی‌های ملی و دموکراتیک، سازماندهی نماید. وی معتقد بود که تأمین حقوق شهروندان و دموکراتیزه شدن زندگی سیاسی-اجتماعی مردم، شرط اساسی یک جامعه مردم‌سالار میباشد. به همین دلیل در دوران زعامت خود، حقوق شهروندی تمام مردم را بدون هرگونه تبعیض در اصول اساسی سال ۱۳۵۹ رسماً، تسجیل کرد. با تصویب این قانون تمام اتباع کشور در تمامی موارد از حقوق مساوی برخوردار گردیدند.

از نخستین روزهای زمامداری خود رهبر جدید، بمردم اطمینان داد که نابسامانیهای موجود در کشور را به شیوه بنیادی حل و فصل خواهد نمود. در قدم نخست تلاش ورزید تا پیامدهای ناگوار و اقدامات اشتباه آمیز زمامداری نورمحمد تره‌کی و حفیظ الله امین را خنثی و زیانهای وارد شده سیاسی، اجتماعی و قومی ناشی از آنها را که بر مردم وارد گردیده بود، رفع نماید.

در برابر حکومت جدید وظایف بزرگ اقتصادی - اجتماعی قرار داشت که باید انجام میگرفت. برای اجرای این وظایف عمده و مهم، لازم بود که کادرهای مسلکی و اداره سالم بوجود آید.

از آنجائیکه تعیین کادرهای ورزیده برای حل پیروزمندانۀ تمام مسائل

اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از اهمیت فراوان برخوردار است، درین دوره توجه فوق العاده برای افزایش کادرها مبذول گردید. در تقرر و انتصاب کادرها وابستگی شان با این یا آن قوم، ملیت و یا قبیله نقشی نداشت. همچنان درین دوره توجه جدی جهت جلب و وسیع زنان به کارهای مفید اجتماعی و ارتقای آنان بطور تدریجی و پیگیر به مقامات رهبری که به مثابه یکی از مسایل مبرم بشمار میرفت، صورت گرفت.

گذشت زمان و قضاوت دقیق و بیطرفانه تاریخ، رویدادهای دهه هشتاد قرن ۲۰ را از جنگ تحمیلی گرفته تا آبادانی و اعمار جامعه نوین، وضاحت بیشتر خواهد داد. طی این سالها مردم ما، درد و رنج را با گوشت و استخوان شان احساس و درک نمودند، حال اکثریت میدانند که کی ها دوست واقعی کشور زخمی و مردم بلا کشیده ما بودند و کی ها جهت تأمین مقاصد شوم و اهداف غیر انسانی دشمنان وطن در خدمت ارتجاع و اجنبی ها قرار داشته، خانه و کاشانه ما را ویران و به خاک و خون کشانیدند. اینها گروه های تنظیمی هفت گانه و هشت گانه بودند و به بهانه اینکه گویا دین اسلام در خطر است، تحت نام دین مقدس اسلام، با بدست آوردن پول هنگفت و سلاح، اعمال وحشیانه و غیرانسانی را در کشور انجام دادند که درحقیقت همه آنها مغایر احکام دین مبین اسلام بود.

باوجود اینکه دشواری ها، مشکلات و موانع از طرف کشور های امپریالیستی با تبنانی با گروه های تنظیمی هفت گانه و هشت گانه علیه حکومت و دولت ج. د. ا براه انداخته شده بود و آنها با مداخلات وسیع در امور داخلی کشور ما، اقدام به ترور، آدمکشی، قتل و قتال، ترس و وحشت ایجاد نموده بودند، با آنها دولت ج. د. ا توانست در یک مقطع زمانی کوتاه گام های استوار و دقیق بخاطر نجات کشور و مردم، جهت رشد تولیدات زراعتی، صنعتی، تجارت، ترانسپورت، امور ساختمانی و استخراج منابع بردارد. زیرا پایه مادی هر جامعه پیشرفته را رشد تولیدات درین عرصه ها تشکیل میدهد. گرچه در گذشته ها هم کار درین ساحات تا حدودی صورت گرفته بود ولی

با در نظر داشت وضع موجود در کشور، دولت جدید از آن راضی نبوده و آنرا کافی نمی پنداشت .



<https://www.youtube.com/watch?v=5yKzFJ6w42o>

در نخستین روزها، پلان پنج ساله انکشاف اجتماعی – اقتصادی برای سالهای ۱۹۷۸ – ۱۹۸۲ طرح و تصویب گردید. درین پلان پنج ساله کشور، برای نخستین بار سرمایه گذاریهای بزرگ از منابع داخلی نیز در نظر گرفته شده بود.

هدف اساسی و نکات عمده این پلان را انجام اصلاحات ارضی و امحای بیسوادی در کشور طی مدت کوتاه تشکیل میداد ولی از آنجائیکه این پلان بدون محاسبات دقیق اقتصادی و امکانات عینی، براساس عاطفه و آرزومندی، غیر واقعی طرح گردیده بود تا حقیقت سرسخت و محدودیت های منابع مالی، تخنیکی و بشری در کشور، بناً این پلان پنج ساله واقعینانه نبود. با طرح این پلان تصور میشد که گویا طی پنج سال آینده معجزه اقتصادی بوقوع خواهد پیوست، بیسوادی در کشور کاملاً محو شده و مردم به رفاه اجتماعی – اقتصادی دست خواهند یافت، در حالیکه امکانات مالی و مادی، شرایط عینی و عوامل انسانی در آن به شیوه عینی در نظر گرفته نشده بود. اما پلان های یک ساله بنابر توسعه سیستم احصائیه گیری منظم و امکانات عملی

برای کنترل از تحقق پلانها، بطور واقعبینانه و با سنجش های دقیق با استفاده از تمام امکانات مادی، فنی، منابع مالی و بشری در شرایط دایمأ در حال تغییر یعنی در شرایط ادامه جنگ در کشور، طرح و تطبیق گردید.

با تطبیق پلان های یکساله و بعداً پنج ساله، تعداد قابل ملاحظه پروژه های جدید در عرصه های مختلف اقتصاد ملی شامل عرصه های صنایع، ساختمان، زراعت و آبیاری، برق رسانی و انرژی، ترانسپورت زمینی و هوایی، راه سازی و مخابرات، ساختمان های مدنی و راهیابی، تسهیلات شهری و روستایی، ساختمان های صحتی و تعلیمی، تأسیسات مذهبی و فرهنگی، طرح و تطبیق گردید و زمینه رشد اقتصادی را در کشور مهیا گردانید.

قیام ۷ ثور ۱۳۵۷ و مرحله تکاملی آن با داشتن خصلت دموکراتیک ضد فئودالی و ضد امپریالیستی، ضربه بزرگ بر منافع فئودالها و کشورهای امپریالیستی وارد نمود. یکی از مثال های عمده آن توزیع هفت صد هزار هکتار زمین به سه صد هزار خانواده بود، که این عمل با تأسف از یک سو توأم با اشتباهات و از جانب دیگر در اثر ایجاد شرایط وحشت، دهشت و خوف میان دهقانان بوسيله گروه های تنظیمی هفت گانه و هشت گانه به کمک کشورهای همسایه به خصوص پاکستان، ایران و چین سبب گردید تا موفقانه نباشد. در عرصه اصلاحات ارضی گرچه با وجود اشتباهات و کم تجربه گی باند امین، دست آوردهای مهمی حاصل شده بود، ولی در مرحله نوین و تکاملی، با تصحیح اشتباهات قبلی و مطابق پلان علماً تنظیم شده، پروگرام اصلاحات ارضی موفقانه پیش برده شد. باید گفت با وجود فشارهای که ارتجاع به کمک گروه های تنظیمی هفت گانه و هشت گانه بالای مردم و کشور ما وارد نموده بودند، با آنها با ایجاد و رشد نهضت کوپراتیوی و توجه به ارتقای شعور سیاسی و طبقاتی دهقانان و ایجاد جرگه های دهقانی، کشور از نظر اقتصادی در شرایط بهتری قرار داشت و تحقق پلان های طرح شده اقتصادی اکثراً موفقانه بودند.

اهداف اساسی دولت درین مرحله رشد و تحول کشور در تمام ساحات بود، بنأ سعی به عمل آمد تا در قدم اول نابرابری های اقتصادی محو گردد، بهمین منظور برنامه اصلاحات ارضی به نفع اکثریت مردم افغانستان بخصوص دهقانان زحمتکش و ازبین رفتن فیودالان، سودخوران و بقایای مناسبات فیودالی درکشور طرح و تطبیق گردید.

دولت تا حد ممکن برای دهقانان کمکهای همه جانبه ازیکطرف به ارتباط وسایل تخنیکی و دانه های تخم بذری و ازجانب دیگر از لحاظ تعیین درست قیمت خرید محصولات شان انجام داد. بر علاوه شرایط لازم برای استفاده وسیع از دست آوردهای علم و تخنیک در زراعت کشور را نیز فراهم نمود.

کمیته مرکزی ح. د. خ. ا و حکومت یک سلسله اقدامات به منظور تسریع اجرای اصلاحات ارضی اتخاذ نموده، پروگرام تحقق عملی آنرا تصویب و مراحل کار و وظایف وزارت خانه ها و ادرا ت را مشخص نمود.

جهت تسریع و مؤثریت اصلاحات ارضی، قانون توزیع آب و تنظیم مناسبات اجاره داری زمین بعد از طرح و تصویب مورد اجرا قرار گرفت.

بتاریخ ۳۰ جوزا سال ۱۳۶۰ کمیته مرکزی ح. د. خ. ا و شورای وزیران، مصوبه را درباره اصلاحات ارضی در ج. د. ا به تصویب رسانیدند. به این ترتیب اسنادی که جهت تطبیق عملی اصلاحات ارضی و آب ضروری بود، آماده گردیده و کارهای مقدماتی انجام یافت. حزب و حکومت جداً مصمم بودند تا اهداف عمده انقلاب ملی و دموکراتیک را به طور قاطعانه تحقق بخشند و با دادن زمین و آب به دهقانان بی زمین، کارگران زراعتی و کوچیان نیازمند، آنها را از حقوق حقه شان بهره مند سازند و بر علاوه سهمیه زمین دهقانان کم زمین را در چارچوب قانون، افزایش دهند.

هدف اساسی اصلاحات دموکراتیک ارضی در کشور امحای مناسبات عقب مانده فیودالی و ماقبل فیودالی، تأمین زمین و آب برای دهقانان زحمتکش،

رشد تولید محصولات زراعتی، بخاطر ساختمان پایه های اساسی جامعه نوین فارغ از استثمار انسان از انسان بود.

دولت جدید، در رابطه با مسئله رشد زراعت و اصلاحات ارضی سیاست جدیدی را درپیش گرفت و با درنظر داشت سنن و عنعنات مردم و احکام دین مقدس اسلام، به نیازمندان و خانواده های دهقانان تهی دست، مطابق به اصول و قوانین، ضمن تحدید اندازه زمین و آب، سیاست ارضی خود را طرح و به توزیع زمین و آب که قبلاً به استثمارگران و سودخوران متعلق بود، اقدام ورزید. دهقانان برای اولین بار در تاریخ کشورما، این امکان را بدست آوردند تا آزادانه برای خودشان و به نفع جامعه که عضو قابل احترام آن شمرده میشدند، زحمت بکشند.

ح. د. خ. ا و دولت ج. د. ا معتقد بودند که صرف از طریق محو سیستم فئودالی میتوان دورنمای وسیعی را برای تولید زراعتی باز نموده و از امکانات گسترده درین عرصه استفاده کرد. حزب و دولت مرام و مشی مبتنی بر حل دموکراتیک مسئله ارضی را به اشتراک مستقیم دهقانان و افزایش نقش آنها درین امر حیاتی با پیگیری و استواری تعقیب مینمود.

جهت تطبیق بهتر اصلاحات ارضی در کشور، به دهقانان مساعدت های لازم از قبیل دریافت قرضه ها و کمک های فنی آگرونومی و وئرتری، کود کیمیاوی، تخم بذری و ابزار زراعتی با شرایط سهل صورت گرفت. همچنان در امر امحای بیسوادی و رشد خدمات فرهنگی و غیره میان دهقانان کمکهای گسترده انجام یافت.

دولت نوین بخاطر حل مطمئن و مؤثر مسئله تشدید آهنگ رشد زراعت، تأمین مردم از لحاظ مواد غذایی و صنایع از لحاظ مواد خام تدابیر مفید و عملی اتخاذ نمود، بر علاوه کار عظیمی را در جهت آباد ساختن، آبیاری و تحت زرع قرار دادن زمینهای جدید، استفاده از تخنیک معاصر به شکل گسترده، استفاده از میتودهای پیشرفته سازماندهی کار، زرع و جمع آوری حاصلات، انجام

داده و مؤسسات زراعتی دولتی را منحيث مراکز عمده، غرض عملی نمودن این ميتودهای پيشرفته و مؤثر ايجاد و توسعه بخشيد.

دولت بخاطر حفظ و افزايش سطح توليد زراعتی از توزيع زمين های اضافه بر نصاب زمينداران در صورتیکه آنها اراضی شانرا به فارم های زراعتی، باغها يا تاکستان ها مبدل میساختند، صرف نظر نمود. همچنان از پارچه کردن و توزيع باغها و تاکستانهای موجود جداً جلوگیری به عمل آمد. ولی ساير زمينهای عامه و دولتی بشمول ساحاتیکه معلوم بود يا اینکه بطور غيرقانونی به اراضی زمينداران بزرگ ملحق شده بود، زمينهای دشتی و خاره يا زمينهای متروکه به خانواده های بی زمين، توزيع گرديد. بر علاوه دهقانان تشويق میگردیدند که جهت دسترسی بهتر به وسایل زراعتی پيشرفته، کود، تخم بذری، سهمیه آب و قرضه ها، به کوپراتيف های زراعتی بپیوندند.

در سالهای هشتاد قرن بیست توسط وزارت آبیاری، ساختمانهای مهم آبیاری که برای دهقانان و زمينداران و در مجموع برای زراعت و مردم ارزش حیاتی داشت، مثل بندهای ذخیره و آبگردان بالای درياها، کانال ها و شبکه های توزيع آب طرح ریزی گرديد و تعدادی از پروژه های مهم مراحل ساختمانی خودرا پيمودند. ولی با تأسف بنا بر خرابکاری های گروه های مسلح ضد دولت کار برخی از مهمترین پروژه های آبیاری متوقف گرديد.

دولت در جریان سال ۱۳۵۹ در جهت تحکيم اقتصادملی گام های استوار برداشت. با وجود دشواری ها و فعالیت های خرابکارانه مخالفین دولت، حاصلات زراعتی قناعت بخش بود و حجم توليدات تعدادی از مؤسسات دولتی و مختلط افزايش یافته و بعضی از این مؤسسات صنعتی توانستند حتی بیشتر از پلان پيشبینی شده، کار خودرا انجام دهند. در سال ۱۳۵۹ برای اولین بار کسر بودجه وجود نداشت و زمينه های سریعتر رشد اقتصادملی، کلتور، معارف و صحت جهت رشد همه جانبه کشور مساعد گرديد.

در افغانستان سرمایه ملی به رشد کافی نرسیده بود، سرمایه ملی افغانستان عمدتاً مربوط به صاحبان صنایع و تجار متوسط و کوچک بوده که در ترقی کشور و رفع عقب ماندگی، رشد اقتصادی، تخنیک و فرهنگی ذینفع بودند.

اقتصاد کشور به صورت عموم مطابق خط مشی کمیته مرکزی ح. د. خ. ا برای احیای هرچه زودتر اقتصاد ملی، تقویه و تحکیم سکتور دولتی و بهبود زندگی مردم انکشاف یافته و جهت تشویق و بلند بردن سطح تولیدات و افزایش عاید زحمتکشان اقدامات مهمی اتخاذ گردید.

با وجود مشکلات متعدد و موجودیت مقاومت شدید ارتجاع داخلی و خارجی، زحمتکشان کشور تحت رهبری ح. د. خ. ا به موفقیت های چشمگیری در اعمار زندگی نوین نایل آمدند که در نتیجه، تحولات معین اجتماعی و سیاسی در کشور تحقق پذیرفت.

در سال ۱۳۶۰ حاصلات مواد عمده زراعتی قناعت بخش بوده و رشد نسبی نسبت به سالهای قبل داشت. وضع مالداري ثابت باقی ماند. طی نیمه اول سال، پلان استخراج زغال سنگ، تولید کود، مواد آهن کانکریت، ترمیم موتر و وسایل تخنیکي راه سازی، تولید انساج پنبه، گوشت، روغن نباتی و طبع کتب عملی گردید. انتقال بارهای حمل ناشده از بندر حیرتان کاهش قابل ملاحظه یافت. حجم خدمات وسایل مخابراتی افزایش یافته و یک تعداد پروژه های اقتصادی به کار آغاز نمودند.

در کنار این همه فعالیتها، مشکلات متعددی نیز در اقتصاد وجود داشت. زیان های مادی که توسط گروه های مخالف دولت به صنایع، زراعت، ترانسپورت و مخابرات وارد گردید نهایت زیاد بود، عوامل عینی چون برتری سکتور خصوصی در تولیدات ملی، عدم موجودیت تجربه رهبری در شرایط جدید، کمبود کادرهای ماهر نیز نقش خود را درین مورد داشت. در آن مرحله موفقیت در زمینه اعتلای تولیدات صنعتی ملی و تولید محصولات در سکتور دولتی و مختلط از نیازمندی های مبرم کشور در ساحه اقتصاد پنداشته میشد تا تولید محصولات صنعتی که اقتصاد ملی شدیداً به آن نیاز داشت توسعه

یافته، منابع صادراتی و حصول اسعار خارجی افزایش یابد و درآمدهای بودجه دولتی بخاطر ارتقای مؤثریت اقتصادی بالا رود و ازدیاد مفاد مؤسسات صنعتی تأمین گردد.

بخش بیشتر منابع مالی، مادی و نیروی کار در مهمترین رشته ها و مؤسسات اقتصادی دولت به خصوص در پروژه های تحت ساختمان و تجدید ساختمان صورت گرفت و در ساحه ترانسپورت و ظایف اساسی را کار ترمیم راه های بزرگ مواصلاتی، ساختمان و ترمیم سایر سرکها، اعمار مؤسسات دولتی و خدمات تکنیکی برای موترها تشکیل میداد. همچنان تدابیر مشخص جهت جلب وسیع ترانسپورت خصوصی در امر انتقال بارهای دولتی اتخاذ گردید.

درین مرحله مسئله آغاز مجدد و توسعه حجم کارهای جیولوژیکی و انکشاف گاز، نفت و معادن جامد، احیا و رشد بیشتر مؤسسات استخراج زغال سنگ، نفت، نمک، مواد ساختمانی، تولید سمنت و اعمار مؤسسات جدید تولید انرژی و تصفیه نفت جداً مدنظر گرفته شده و پلانهای دقیق و عملی درین زمینه طرح و مورد اجراء قرار گرفت.

به رشد صنایع ماشینی و دستی در سکتور خصوصی که نقش عمده در رفع نیازمندیهای مردم کشور و تأمین اشتغال اهالی داشت، هم توجه لازم مبذول گردید و از تخفیف ها و مزایای که از طرف دولت بخاطر رشد سکتور خصوصی تصویب شده بود، وسیعاً استفاده صورت گرفت.

حزب و دولت جهت رفع نیازمندیهای مردم به مسکن، مؤسسات فرهنگی و تنویری، امحای بیسوادی، رشد علوم، صحت عامه و ورزش، به صورت پلان شده سیاست خود را تحقق بخشید.

برای اعمار جامعه نوین در افغانستان، امحای بیسوادی و بلند بردن سطح تعلیمات عمومی مردم اهمیت فراوان داشت. بهمین منظور جهت تجدید بنای سیستم تعلیم و تربیه ملی کار بزرگ روی دست گرفته شد. این سیستم دموکراتیک برای تمام اقشار، طبقات اجتماعی و ملیت های ساکن در کشور

یکسان قابل دسترسی بود.

در کشور ما آن زمان اشکال و سیستم های مختلف اقتصادی چون سکتور دولتی در صنایع و زراعت، سکتور کوپراتیوی در ده و شهر، سیستم سرمایه داری دولتی خصوصی (سکتور مختلط) سرمایه داری خصوصی در صنایع، ترانسپورت، زراعت و تجارت، تولید کالایی کوچک در شهر و ده (دهقانان و پیشه وران)، اقتصاد سنتی دهقانان به شکل طبیعی و نیمه طبیعی و اقتصاد قبیله یی از لحاظ عینی وجود داشت. دولت تصمیم نداشت که بدون نیازمندی و به شکل مصنوعی روند از بین رفتن این سیستم ها را که از لحاظ تاریخی به وجود آمده بودند، تشدید بخشد. بر عکس حزب و دولت در سیاست اقتصادی و اجتماعی خود با پیگیری و حوصله مندی، سعی مینمود که از امکانات همه اشکال و سیستم ها به نفع رشد نیروهای مؤلده کشور و رفاه مردم استفاده کامل به عمل آید.

توسعه کشورها ارتباط ناگسستنی با رشد صنایع، ترانسپورت و مواصلات دارد. صنایع اساس مادی رشد هر کشور را در رفع عقب ماندگی و ایجاد اقتصاد پیشرفته، تشکیل میدهد. متأسفانه کشور ما از نگاه داشتن دستگاه ها، ماشینها و برق نهایت فقیر بود، پیشرفت و رشد واقعی درین عرصه محدود بوده و از همین سبب نیازمندیهای مردم ما برای زندگی عادی و شایسته انسانی مرفوع نمیگردید. حزب و حکومت جدید معتقد بودند که تأمین رشد و توسعه دوامدار و پیشرونده صنایع، امور انرژی، ترانسپورت، مواصلات و مخابرات، منحصیث پایه و عرصه اساسی رشد اقتصاد کشور ما محسوب میگردد.

رشد نیروهای مؤلده کشور که به وسیله ح. د. خ. ا و حکومت جدید پیشبینی شده و تحقق یافت تغییرات مثبتی را در ساختار اجتماعی کشور ما بوجود آورد.

دولت اساسات اقتصادی و حقوقی لازم را بخاطر همکاری طویل المدت و مؤثر با سکتور خصوصی و سرمایه داران ملی در چارچوب سکتور مختلط

و به شکل طرف معامله انفرادی به وجود آورد. دولت از سکتور خصوصی ملی، تقاضا داشت تا از طریق به کار انداختن منابع و سرمایه گذاری در پروژه های ضروری بر اساس شرایط متقابلاً مفید، برخورد آگاهانه نموده و در رفع معضلات و نیازمندی های کشور سهم ارزنده ایفا کنند. هدف و مؤثریت از چنین همکاری اعمار و بهره برداری مشترک از مؤسسات صنعتی، خطوط مواصلاتی، منازل مسکونی، ترانسپورت و ایجاد محلات جدید کار، بهبود زندگی مردم، استقرار قیم و بلاخره ترقی عمومی اقتصاد ملی کشور بود.

حزب و دولت همچنان به مساعدت، سازماندهی و تنظیم همکاری با تاجران کوچک و پیشه وران توجه قابل ملاحظه مبذول داشته و نقش براننده آنها را در امر رفع نیازمندی مردم به محصولات و کالاهای مورد ضرورت اولیه درک مینمود. دولت اشکال گوناگون تعاون و همکاری میان پیشه وران و تاجران کوچک را، چون شرکت های سهامی مختلط و سیستم اعطای قروض با شرایط سهل، به منظور افزایش سهم آنها در تولید کالاهای مورد نیاز و رشد تجارت تشویق مینمود. رشد دینامیک همه سکتورهای اقتصاد ملی که در حقیقت تکمیل کننده همدیگر شان بودند جهت ثبات آنها و رفع عقب ماندگی کشور و ایجاد اقتصاد ملی مؤثر مساعدت میکرد.

تطبیق پلان رشد اقتصادی و اجتماعی سال ۱۳۶۰ توأم با موفقیت های چشمگیر در عرصه انکشاف اقتصادی بوده و عملاً اقدامات اقتصادی به سود تقویۀ پایه های رشد اقتصاد ملی و ثبات نسبی اقتصاد در ج. د. ا انجام پذیرفت. شاخصهای رشد اقتصادی در سال ۱۳۶۰ امیدوار کننده و مثبت بود طور مثال در سال ۱۳۶۰ محصول ناخالص داخلی به مقایسه سال ۱۳۵۹ به اندازه ۱,۵ فیصد و عاید ملی تولید شده به اندازه ۲,۴ فیصد افزایش را نشان میداد.

طی سال ۱۳۶۰، هفده پروژه به بهره برداری آغاز نمود که از آن جمله ۹ پروژه آن خارج از پلان بود. سال ۱۳۵۹، ۸۷,۷ فیصد بودجه انکشافی از

منابع داخلی کشور تمویل گردید که درمقایسه با سال ۱۳۶۰، ۱۴٫۵ فیصد بیشتر بود.

درسال ۱۳۵۹ به تعداد ۳۲ پروژه ازطرف شورای عالی اقتصادی منظور گردیده و در حجم دوران تجارت خارجی افزایش به عمل آمد.

درسال ۱۳۶۰ محصول ناخالص بخش زراعت و مالدارى به مقیاس سال قبل به اندازه ۳٫۱ فیصد رشد نموده و حجم تولیدات زراعتی درسال ۱۳۶۰ به تفریق تمام محصولات به استثنای پخته خام و لبلبو بالاتر از سطح تولید سال ۱۳۵۷ بود.

این ارقام ذکر شده، بیانگر آن است که با وجود مداخلات بی شرمانه امپریالیزم و ارتجاع، دولت جدید و ح. د. خ. ا تحت رهبری زنده یاد ببرک کارمل موفق شده بود در مدت زمان کوتاه گامهای استوار و قابل ملاحظه را در راه رشد و توسعه اقتصادی کشور بردارد و زمینه های استقرار نظم ملی ودموکراتیک را در زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم مساعد سازد.

یکی از اقدامات مهم دیگر درسال ۱۳۶۰ عفو جرایم مالیاتی سالهای ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ به سود دهقانان زحمتکش کشور بود که در نتیجه آن ۷۶۰ هزار خانواده دهقانی از تادیه ۷۲۲ میلیون افغانی جرایم مالیاتی معاف شدند. به اساس صدور یک مصوبه بیروى سیاسى کمیته مرکزی ح. د. خ. ا در باره اصلاحات ارضی، حق ملکیت دهقانان بر زمین، تضمین و شرایط مساعد برای استفاده مؤثر از زمین ایجاد گردید. بر علاوه محصول کار دهقانان، دیگر نه به فیودالها، اربابان و سودخواران، بلکه به خود آنها تعلق گرفت.

همچنان در سال ۱۳۶۰ معاش کارگران و اجبران از ۲۶ تا ۵۰ فیصد و ماکولات کارگران، مستخدمین و مامورین به پنجاه فیصد افزایش یافت. از طریق عقد قراردادهای دسته جمعی به مثابه یکی از عناصر پراهمیت نوین در عرصه تولید، سهم طبقه کارگر کشور در رهبری پروسه های تولیدی تأمین گردید. برای اولین بار در کشور مسابقات کار در ساحات تولیدی

صورت گرفت که در نتیجه آن ده ها مؤسسه تولیدی موفق شدند نه تنها پلانهای تولیدی شان را تطبیق، بلکه حتی بیشتر از پلان، تولید نمایند.

در سال ۱۳۶۰ درآمد تولید شده ملی به اندازه ۳،۴ فیصد نسبت به سال ۱۳۵۹ افزایش یافته و رقم ۹۴،۳ میلیارد افغانی را نشان میداد. مؤسسات و پروژه های جدید در ساحات صنایع گاز، مواد غذایی، مخابرات، انرژی و صحت عامه به فعالیت آغاز نموده و مؤسسات بزرگی چون فابریکه کودکیمیای مزار شریف، خانه سازی کابل، کارخانه جات جنگلک، فابریکه های نان پزی و غیره باثبات بیشتر و بهتر فعالیت داشتند. تولید انرژی برق، زغال، سمنت، مواد ساختمانی و انواع دیگر محصولات افزایش یافت.

تکمیل پروژه اصلاحات ارضی و آب، تسریع فعالیت های پروژه بند برق و آبیاری سلما در هرات، ادامه کار معدن مس عینک، ساختمان سیلوی شهر مزار شریف، پروژه انتقال برق از سرحدات اتحاد شوروی تا کابل، احداث شبکه های کوچک و بزرگ آبیاری، ایجاد مؤسسات جدید و مجهز ترانسپورت دولتی، ورکشاپ های تکنیکی، اعمار پل بزرگ دوستی بالای دریای آمو بین اتحاد شوروی و افغانستان، نصب دستگاه اخذ تلویزیونی و مخابراتی «شمشاد» ایجاد شبکه های وسیع، انواع مختلف کوپراتیف های دهقانی و مامورین و احداث بیشتر از هشتصد مکتب و امثال اینها، از دستاوردهای مهم دیگر این مرحله محسوب میگردند. این همه دستاوردهای چشمگیر باعث گردید، تا مخالفین داخلی و خارجی نظام نوین، موانع بزرگ جهت رسیدن به راه رشد اقتصادی-اجتماعی کشور را ایجاد نمایند.

ایجاد موانع بر سر راه پلان های انکشافی در جهت بهبود وضع زندگی زحمتکشان، بوسیله مخالفین نظام نوین، یکی از اهداف عمده جنگ اعلان نشده علیه کشور را تشکیل میداد. آنها تلاش داشتند تا با این اعمال، نظام نوین را در جامعه بی اعتبار ساخته و مانع تحقق پلانهای مطروحه دولت در زمینه حل مسایل مبرم گردند.

تا سال ۱۳۶۲ تقریباً ۱۱۲ مکتب و ده ها شفاخانه، صدها پل و پلچک، صدها

پایه بزرگ انتقال برق، ده ها کتابخانه و عمارات عام المنفعه توسط باندهای مسلح ضد دولتی تخریب و به آتش کشیده شد. همچنان هزاران نفر معلم، داکتر، متخصص، ملاهای شریف کشور ما از جانب این اجبران فروخته شده، خرابکار و تروریست به شهادت رسیدند. خسارات وارده توسط باندهای مسلح در آزمان بالغ به ۲۴ میلیارد افغانی میگردید و یا شاید هم بیشتر. این خسارات تأثیرات منفی بر پلان های دولت داشته، پیشرفت را بطی نموده و مردم را از حصول آنچه که پیش بینی شده بود، محروم ساخت.

مجموع رشد زراعت و مالداری در شش ماه اول سال ۱۳۶۱ نسبت به سال ۱۳۶۰، ۳ فیصد افزایش داشت. در ساحات معادن، صنایع و انرژی درین دوره افزایش در مجموع ۳٫۷ فیصد بود که این افزایش، تطبیق ۱۰۳٫۳ فیصد پلان سال ۱۳۶۱ را نشان میداد. افزایش تولید زغال سنگ نسبت به شش ماه اول سال ۱۳۶۰، ۸ فیصد، سمنت ۱۴۲ فیصد (بیشتر از پلان)، کود کیمیاوی ۱۰۴٫۷ فیصد، پخته ۱۰۳ فیصد بود.

تمام مؤسساتی تخریب شده، بوسیله باندهای مسلح صادر شده از خارج، احیا و دوباره به کار تولیدی شان آغاز نمودند. در سال ۱۳۶۰ رشد قیم ۱۹٫۲ فیصد را نشان میداد، در مقابل دستمزد کارگران از ۲۶ الی ۵۰ فیصد افزایش یافت. به اساس سببایدی دولت، قیم شکر، پترول، آرد و غیره مواد مورد ضرورت اولیه ثابت باقی ماند. قیم مواد خوراکه در مقایسه با کشورهای همسایه، سه بار کمتر از ایران و تقریباً دوبار کمتر از پاکستان حفظ شده بود.

در پلینوم یازدهم کمیته مرکزی ح. د. خ. ۱، بازسازی صنایع و زراعت منحصیث یک وظیفه عمده مطرح گردید تا در جریان سالهای ۱۳۶۲-۱۳۶۳ کشور در ساحات اساسی اقتصاد به پیشرفتهای نایل گردیده و سطح تولیدات بالا رود. زیرا در صورت کاهش تولیدات در کشور، وضع زندگی مردم خرابتر میگردید. به همین دلیل اقتصاد منحصیث وظیفه مبرم در مرکز توجه همیشگی حزب و حکومت قرار داشت. مسایل اقتصادی حل ناشده حاد و مبرم در کشور بی نهایت زیاد بود و تمام زحمتکشان و توده های وسیع مردم حل درست و

به موقع آنها را از حزب و دولت جدید توقع داشتند.

به اساس احکام اصول اساسی ج. د. ا وظیفه دولت جدید، ساختمان جامعه نوین از طریق تسریع رشد اقتصادی، ارتقای سطح زندگی و رفاه مردم، دموکراتیزه کردن واقعی زندگی سیاسی کشور، ایجاد نظم دموکراتیک در عرصه اداره دولت، تحکیم قانونیت دموکراتیک، تضمین مالکیت خصوصی و شخصی مردم و نظم بخشیدن به مالکیت عامه پنداشته میشد.

در اصول اساسی ج د ا، از مالکیت های قانونی اعم از عامه، خصوصی، شخصی، کوپراتیفی و اشکال دیگر آن دفاع به عمل آمده و به ویژه بر اصل حمایت از ملکیت های عامه و فراهم کردن زمینه ها برای سرمایه گذاری های خصوصی تأکید شده بود.

مسئله تقویت سکتور دولتی که یکی از مسایل حیاتی و میرم محسوب میگردد اساس مادی و فنی بزرگی تحولات اجتماعی را در آن مرحله تشکیل میداد. به همین منظور شاد روان بیرک کارمل در پلینوم یازدهم کمیته مرکزی ح. د. خ. ا درباره وظایف میرم درساحه تولید صنعتی بیان داشتند که:

«اگر تولید انرژی برق، گاز، نفت، سمنت، محصولات صنایع سبک و خوراکی را افزایش نبخشیم، ما به رشد اقتصادی نایل نخواهیم شد. همه این محصولات را سکتور دولتی تهیه میدارد که ما برای رشد آن اهمیت بخصوص را قایل هستیم. آینده اقتصاد ما به طور کاملاً گسست ناپذیر با این سکتور ارتباط دارد. حزب این وظیفه را مطرح میسازد که به تأمین رشد فزاینده، تقویه و پیشرفت سکتور دولتی رجحان داده شود و ساختار آن، بهبودی حاصل نماید. در این جهت منابع مالی و مادی ضروری و کمک های سخاوتمندانه اتحاد شوروی و سایر کشورهای برادر تخصیص داده میشود.»

برای حزب و دولت، ارتقای سطح رفاه مادی و رشد ثروت اجتماعی، بلندبردن سطح و رشد بیشتر سکتور دولتی در ساحه اقتصاد ملی، اهمیت بسزا داشت. ارگانهای مربوطه بایست پیشبرد امور اقتصادی را مطابق به

منافع مردم، با تأمین صرفه جویی در منابع دولتی، حفظ ثروت دولتی و تحکیم دسپلین حزبی و دولتی انجام میدادند.

برای نخستین بار، بعد از مرحله نوین در کشور عزیزما سکتور دولتی در ترانسپورت موتوری ایجاد گردید و کشورهای اتحاد شوروی، چکوسلواکیا (کشورهای چک و سلواک فعلی)، بلغاریا و سایر کشورهای سوسیالیستی سابق چند هزار عراده موتر باربری قوی، تانکر تیل، و سایر وسایل ترانسپورتی جهت انتقالات بارها و اموال ضروری کمک نمودند.

تولید صنعتی در سکتور مختلط و خصوصی نیز از اهمیت فراوان برخوردار بود زیرا آنها محصولات ضروری کشور و مردم را تأمین مینمودند. از همینرو ارگانهای مربوطه دولتی توجه مینمودند تا سطح تولیدات در این سکتورها هم کاهش نیابند.

قابل تذکر است که جهت کنترل سطح قیم و تأثیرگذاری بیشتر بر آن، رشد منابع انرژی کشور، تلاش جهت رفع عقب مانده گی صنایع سبک و صنایع غذایی، یک سلسله ابتکارات از قبیل ایجاد ذخایر مخصوص حکومتی، اتخاذ تدابیر جدی جهت تنظیم مصارف اسعاری و خریداری تجهیزات، مواد و کالاهای خارجی طرح و عملی گردید.

طی سفر رسمی محترم سلطان علی کشمند به کشور چکوسلواکیا، توافق صورت گرفت تا آنکشور با کمک مالی و فنی خویش فابریکه جدید بزرگ سمنت سازی غوری را در پلخمري در کنار فابریکه قبلی سمنت سازی که قبلاً به ظرفیت چهار صد تن در روز فعالیت داشت، احداث و در دسترس ج. د. ا قرار دهد. با فعال شدن فابریکه جدید، ظرفیت تولید سمنت با مارک بلندتر به هشت صد تن در روز افزایش یافت.

همچنان طی این سفر موافقت به عمل آمد تا کار مطالعاتی سروی، استخراج و تجهیز تخنیکی مجموع زغال سنگ افغانستان به کمکهای مالی و فنی آنکشور انجام یابد که بر اساس آن تجدید ساختمان و کار استخراج معدن زغال

سنگ کرکر در پلخمري که برای اقتصاد افغانستان و اهالی شهر کابل اهمیت حیاتی داشت به مقیاس بزرگی انجام گرفت. کار بهره برداری از معدن زغال سنگ سبزک هرات و ایجاد دستگاه تولید برق به ظرفیت پنجاه هزار کیلووات برق در ساعت و همچنان کار بسته کاری تخنیکي فابریکه سمنت سازی هرات آغاز گردید، ولی متأسفانه در شروع کار مونتاژ ماشین آلات، در اثر تشدید حملات گروه های مسلح مخالف کار آن توقف یافت. کار مطالعات و استخراج معادن زغال سنگ دره صوف و آشپشته نیز بنابر دلایل امنیتی متأسفانه به زودی تعطیل شدند. ولی به کمک مالی و فنی کشور چکوسلواکیا پروژه بزرگ و واحد تهیه و بکار انداختن دستگاه های بزرگ دیزل جنراتورها جهت تولید انرژی برق برای تمام شهرهای افغانستان و کار توسعه بس های برقی، تجدید فابریکات قالبین بافی و پروسس انواع پوستها از جمله پوست قره قل در کابل و مزار شریف ادامه یافت.

یکی از دست آوردهای مهم دیگر سفر محترم سلطان علی کشمند به کشور چکوسلواکیا، عقد موافقتنامه تجارت با آنکشور به اساس کلیرنگ بود که با در نظر داشت محدودیت های اسعاری افغانستان، این موافقتنامه به نفع کشور ما انجام یافت، یعنی باز پرداخت اقساط قرضه ها به شمول واردات انواع گوناگون کالا از آن کشور که بیشتر ماشین آلات و تجهیزات را احتوا میکرد، از طریق صدور امتعه افغانی به قیمتهای بین المللی صورت میگرفت، بود.

بنابر کمبود بودجه ساختمانی، بی توجهی و سهل انگاری مقامات مربوطه، فابریکه خانه سازی کابل که سالها قبل به کمک اتحاد شوروی احداث شده بود و موفق به انجام کار قابل ملاحظه نگردیده بود. طی سالهای هشتاد قرن بیست، با تدارک منابع تمویل، تجدید و توسعه این فابریکه و افزایش ظرفیتهای تولیدی آن، امکانات میسر گردید که در یک سال به تعداد دو هزار اپارتمان رهايشی مجهز کانکریتی از دو تا پنج اتاق، اعمار گردد، در حالیکه در ظرف بیست سال قبل از آن مجموعاً دو هزار اپارتمان از همین نوع و بوسیله همین فابریکه ساخته شده بود.

همچنان کار اعمار فابریکه های خشت پزی در کابل و مزار شریف که هر کدام ظرفیت تولیدی برای ساختمان هزاران منزل رهایی را در سال داشتند تا اندازه زیاد تکمیل گردیده بود، ولی متأسفانه با تغییرات بعدی کار ساختمان آنها متوقف و تخریب شدند.

کار رساندن برق و تنویر خانه های مردم برای دولت از اولویت های مبرم شمرده میشد. گرچه حفظ دستگاه های تولید برق آبی و خطوط انتقال آن در کشور برای حکومت دشوار و پرمصرف بود، ولی بآنهم انتقال برق از مرزهای اتحادشوری به بعضی از مناطق بدخشان و با ولتاز بلند به کندز، مزار شریف و پلخمیری تمدید گردید اما متأسفانه بنابر وضع امنیتی پلان بعدی تمدید آن تا کابل به تعویق افتاد.

درین دوره صنایع نساجی نخی و پشمینه بافی، چرمگری، بوت دوزی، پلاستیک سازی، کیمیاوی، نجاری، فلزکاری، خشت پزی، سنگتراشی، قالین بافی، فرآورده های حیوانی، کشمش پاکی، تولید مواد غذایی و نوشابه های غیر الکولی با سرمایه گذاریهای خصوصی به سرعت رشد نمودند. سرمایه های بخش خصوصی عمدتاً در عرصه های ترانسپورت، زراعت و ساختمان بکار گرفته شد. بر علاوه درین دوره مجموعاً بیش از ۲۵۰ پروژه جدید متوسط و بزرگ در رشته های گوناگون تکمیل و به بهره برداری آغاز نمودند.

همچنان در این زمان سرمایه گذاری در تأسیسات زیربنایی، آمادگی برای بهره برداری از معادن، ایجاد پایه های صنایع سنگین، سلک، تولید مواد غذایی و توسعه پایگاه انرژی در کشور مورد توجه جدی قرار گرفت.

خلاصه رشد اقتصادی در سالهای ۱۳۵۷-۱۳۶۱ سرعت قابل ملاحظه داشت ولی دستاورد های سال ۱۳۶۲، در عرصه اقتصادی به مقایسه آن سالها بیشتر و بهتر بود. بدین معنی که شاخصهای اجرای پلان در صنایع و ترانسپورت تا اندازه بهبود یافته، تولید محصولات زراعتی افزایش یافت و دوران کالای پرچون در تجارت دولتی، مختلط و کوپراتیوی رشد قابل ملاحظه نمود.

همچنان تدابیر مشخص برای سال ۱۳۶۳ در نظر گرفته شد که در نتیجه آن آهنگ رشد اقتصادی درین سال نیز سریعتر گردیده و باعث رشد و افزایش درآمد، تولید محصولات صنعتی و زراعتی و حجم تجارت گردید.

درین مقطع زمانی شدیدترین صرفه جویی درموارد منابع مواد خام،

مواد سوخت، انرژی و دیگر منابع وسایل مالی دولت مرعی الاجراً گردید. سطح تولید و کیفیت کالاهای مورد ضرورت مردم بهبود و ارتقا یافت. از تمام امکانات و قدرتهای تولیدی موجود استفاده مؤثر و همه جانبه بعمل آمده، بهره دهی کار، سطح دسپلین و سازماندهی ارتقا یافت.

جهت تأمین مداوم صنایع خفیفه از نظر موادخام، اقدامات سازمانی لازم مطابق تدابیرجرگه پخته کاران، طرح و عملی شده و این امر تحت کنترل دایمی قرارگرفت. همچنان ارگانهای مربوطه مکلف گردیدند تا موضوع عقب مانده گی در اجرای پلانهای استخراج زغال سنگ، نفت، بیرایت و تولید انرژی برق را هرچه زودتر رفع نمایند.

موجودیت اقتصاد خوب و رشد یافته که مستقیماً توسط دولت رهبری و اداره گردد، عامل استقلال کامل ملی یعنی استقلال سیاسی، اقتصادی و حاکمیت واقعی میباشد. بناً دولت ج. د. ا در آن دوره با اتخاذ شیوه های معقول مانند سیاست مالیاتی، کریدت بانکی، کنترل قِیم بعضی مواد مورد ضرورت اولیه، انحصاردولتی، قوانین تجارتي و سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی، موفق گردید تا امور سکتور خصوصی را تحت نظم و کنترل نسبی خود قرار دهد.

حزب و دولت ساده ترین اشکال کوپراسیون تعاونی را ایجاد نمود تا رشد غیرمنظم و خودبخودی توده های وسیع مانند دهقانان، خرده مالکین، پیشه وران و خرده تاجران را در فعالیتهای اقتصادی بشکل سازمان یافته تنظیم نماید. بهمین منظور شبکه خرید و فروش محصولات زراعتی، خرید و فروش متقابل کالاهای مورد ضرورت اولیه، شبکه خدمات تکنیکی به خرده

مالکین و اعطای ماشین آلات زراعتی براساس قرار دادها را ایجاد نمود.

طوری‌که میدانیم تجارت در اقتصاد کشورها برای تأمین نیازمندیها و ضروریات اتباع اهمیت فراوان دارد. تولید و مصرف به وسیله تجارت باهم پیوند داشته و پروسه واحد را در اقتصاد تشکیل میدهند. حزب و دولت جدید تلاش ورزید تا در کوتاه ترین مدت شرایطی را مساعد سازد تا تمام کالاهای مورد نیاز اولیه، کالاهای که سکتور دولتی و مختلط تولید مینمودند، کالاهای تحت انحصار و همچنان کالاهای که از اتحادشوروی به شکل کمکهای بلاعوض و هم کالاهای که از کشورهای دیگر بر اساس قرار دادهای دوجانبه دولتی بدست می‌آمد، از طریق تجارت دولتی و کوپراتیفها، به فروش میرسیدند. تنها به این ترتیب اطمینان حاصل میشد که کالاهای مورد نیاز مردم به قیمت عادلانه و به مقدار کافی به مستحقین عرضه میگردد، نه به محکرمین بازار سیاه و قاچاقبران که باعث صعود قیم شده و یا آنرا بخارج قاچاق مینمودند. کار سازماندهی تجارت دولتی را وزارت تجارت و اتحادیه کوپراتیفهای دهقانی به عهده داشتند.

طوری‌که قبلاً هم اشاره نمودم، از رژیم های گذشته و بخصوص دوران زمامداری حفیظ الله امین یک اقتصاد فروریخته، وضع مالی و اسعاری نابسامان، نظام مالیاتی ناتوان، تورم شدید، پول بی پشتوانه، سطح بلند قیم و قحطی گسترده، فساد مالی و اداری حاد به ارث مانده بود.

کمیته مرکزی ج. د. خ. ا جداً متوجه فعالیت ارگان های خدمات و اطلاعات دولتی بود تا مطابق به قوانین عمل نموده و بدون توجه به خدمات، سابقه، مقام رسمی و دولتی اشخاص، درصورت عدول ازقانون، آنها را مورد بازپرس و مجازات قرار دهند.

طوری‌که شادروان ببرک کارمل تأکید میورزید، تخطی از قانون برای کارمندان حزبی و دولتی بخصوص کارمندان ارگان های امنیتی جرم بزرگ و انحراف از اصول و آرمانهای حزب شمرده میشد. به نظر وی، عمل مذکور با نام شریف عضو حزب و کارمند نجیب خدمات اطلاعات دولتی مطابقت

نداشت.

ح. د. خ. ا و دولت جدید از همه متوقع بود تا نسبت به مظاهر بیروکراسی، پراگندگی، بی انضباطی، اسراف، بی تفاوتی و بیکاره گی که متأسفانه هنوز دیده میشود، جداً مبارزه نمایند. گرچه همه این معایب میراث نظام های گذشته استعماری بود، اما بقایای آن هنوز هم در ذهن برخی از کارمندان دیده میشود. سرشت حزب و دولت با اینگونه امراض موافق نبوده و کمیته مرکزی ح. د. خ. ا و حکومت ج. د. ا کارمندان سهل انگار را شدیداً مورد بازپرس قرار میداد.

درسخنرانی شاد روان بیرک کارمل درپلینوم پانزدهم کمیته مرکزی ح. د. خ. ا آمده است:

«متأسفانه ما در عمل گاهی با تخلفات جدی و خشن از اصول عالی حزب ما و حاکمیت انقلابی برمیخوریم. افرادی که بعضاً مقامات حزبی و دولتی نیز دارند مسئولیتی را که این مقامات به عهده شان میگذارند، فراموش نموده و فقط به فکر مزایا و امتیازات برای خود، خانواده، خویشاوندان خود، برای دوستان گرم محفلی و سمتی خود هستند. آنها تقوای انقلابی را فراموش میکنند. از موقف و وظیفه سؤاستفاده مینمایند و همه اینها در برابر چشمان انسانهای ساده که بعداً از طرف همین اشخاص برای خدمت به انقلاب فرا خوانده میشوند، صورت میگیرد. آیا زحمتکشان به چنین اشخاص و اعمال زشت و زننده آنها اعتماد میکند؟»

ما در نیمه راه توقف نمیکنیم و حتماً علیه تمام بیماری ها و بی اصولیتی ها بیکار میکنیم و ریشه های زهرآگین سؤاستفاده ها را قطع مینماییم. برای جلب توده ها، داشتن آنان با خود و جلب اعتماد و پشتیبانی آنان، باید پاکی و وجدان بلورین داشت و فعال و اصولی بود. پس بیائید شایسته اعتماد و پشتیبانی توده های افغان باشیم.»

خواست ح. د. خ. ا از اعضای آن این بود تا سرسختانه، علیه مظاهر و بقایای

بلند پروازی، تکبر، بیکاره گی، سو استفاده، عیاشی، تجمل پرستی، عدم دسپلین پذیری و بی اصولیتی مبارزه نمایند.

خارنوالی ها مؤظف گردیده بودند تا موارد تخلف از قوانین را کنترل نموده و از وقوع آن جلوگیری به عمل آورند. آنهای را که دست به چنین اعمال ناشایسته میزدند، بایست شدیداً مجازات مینمودند. ح. د. خ. ا و دولت جدید کسانی را که تلاش میورزیدند تا میان قبایل، جدایی طلبی را تحریک کنند و آنها را علیه مردم و وطن واحد و مشترک مان قرار دهند، عادلانه و به طور قاطعانه مورد مجازات قرار میدادند.

در پلینوم شانزدهم کمیته مرکزی ح. د. خ. ا نیز محترم ببرک کارمل فقید یکبار دیگر قاطعانه خاطر نشان ساختند که:

«وظیفه ما بهبود زندگی زحمتکشان اعم از کارگران، دهقانان، پیشه وران و مخصوصاً نادارترین اقشار اهالی است. اما مردم نمیتوانند، جاه طلبی، بی تفاوتی، غرور و از خود راضی بودن، عیاشی، عربده کشی، اختلاس، برخورد غیرمسئولانه، رقابت بازی، خویش خوری، خشونت، رشوه ستانی، سو استفاده از ملکیت عامه و اشخاص، محل پرستی، بی انضباطی، تمایز طلبی و پراگندگی کارکنان عده از ارگانهای حزبی و دولتی را نادیده بگیرند و به آنان آشتی کنند.»

درین پلینوم کار بعضی ارگانهای حزبی و دولتی، از قبیل کمیون کنترل حزبی، خارنوالی و قضا شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت زیرا تا آن زمان هیچ یک از مسئولان محلی بخاطر عدم اجرای وظایف پلانی مورد باز خواست قرار نگرفته بود.

به نظر شادروان ببرک کارمل فقید اعضای کمیته مرکزی موافق بودند که چنین کارمندانی سهل انگار را نمیتوان دیگر مجازات نکرد. وی اظهار داشت، بگذار دیگر هیچکسی مطمئن نباشد که با ناکامی در یک عرصه کار به عرصه دیگر با حفظ امتیازات و یا حتی ارتقای مقام و افزایش معاش تقرر

حاصل خواهد نمود.

رهبری سالم حزبی و دولتی درین زمان باعث بلندرفتن سطح مسئولیت و تسلیین پذیری درارگانهای دولتی گردید که این خود به قانون بلانحراف فعالیت همه ارگانها مبدل گردید.

شادروان ببرک کارمل فقید طی سخنرانی شان در پلینوم سیزدهم کمیته مرکزی ج. د. خ. ا درباره تحکیم هرچه بیشتر حاکمیت دولتی جداً تأکید ورزیدند که:

«تولیدات باید رفاه و رشد آزاد و همه جانبه همه افراد جامعه را تأمین کند.

مردم پائین آمدن و کنترل سطح قیمت های مواد اولیه و ضروری زندگی روزمره را میخواهند.

مردم مبارزه علیه فساد، رشوه، سوءاستفاده، احتکار، اصراف و زورگویی را می طلبند.

مردم عمل میخواهند، نه حرف زیاد و عوامفریبانه.»

هدف هر تحول، تغییر ساختار نظام کهنه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و ایجاد یک نظم نوین که خواستها و نیازمندیهای مردم را برآورده سازد، است. واضح است که این پروسه هیچگاه بدون مشکلات و نواقص تحقق نمی پذیرد و کشور ما نیز ازین امر مستثنی نبود. اگر مداخلات مسلحانه امپریالیزم و ارتجاع منطقه در کشور ما نمی بود، احتمال داشت، دشواری های ما درتغییر نظام کهنه و استقرار نظم جدید در مقایسه با دگرگونی های عظیمی که رخ داد، به مراتب کمتر باشد.

دوره زمامداری شادروان ببرک کارمل فقید را میتوان دوره طلایی در ساحات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شمرد. امر تحکیم دوستی و برادری میان اقوام، قبایل و ملیت ها، دموکراتیک ساختن حیات اقتصادی و اجتماعی، تطبیق قانونیت دموکراتیک و مبارزه با هر نوع خودسری و بی قانونی مورد

توجه جدی رهبری ج. د. خ. ا و حکومت نوین قرار گرفت. همچنان از کار تشدید در ارتباط به ارتقای سطح رفاه کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان کشور و بهبود شرایط کار آنها، تأمین کار برای بیکاران، بالا بردن سطح آموزش، فرهنگ و تربیت فنی حرفوی مردم و حفظ و رشد گنجینه های فرهنگی مردم را درین مرحله نیز میتوان یاد نمود.

در افغانستان تقریباً بیست ملیت و قوم زندگی مینمایند که عمده ترین آنها پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، نورستانی و غیره میباشند. رژیم های ستمگر، استثمارگر و ظالم گذشته همیشه میان ملیت ها و اقوام وطن واحد مان افغانستان عزیز تفرقه ایجاد میکردند و تبعیض و وحشیانه را در افغانستان تطبیق مینمودند.

برای نخستین بار بعد از تحول ۷ ثور و بخصوص بعد از مرحله نوین آن، تحت زعامت روان شاد بیرک کارمل فقید، تساوی حقوق، اصل برابری و برادری و اتحاد تمام ملیت های افغانستان عملی گردید. زبان، کلتور، عنعنات، رسوم و حقوق دموکراتیک تمام ملیتهای ساکن در افغانستان مورد احترام جدی حزب و دولت ج. د. ا قرار گرفت. تمام نمایندگان ملیت های اقلیت در دستگاه های اداری دولت، حزب، جبهه ملی پدر وطن و دیگر سازمانهای اجتماعی سهم مشترک و مساویانه ایفا مینمودند. درین دوره براساس احترام صمیمانه و برخورد درست و بامسئولیت نسبت به اصول و سنن تاریخی، معنوی و فرهنگی اقوام، ملیت ها و قبایل، سیاست حزب و دولت پایه گذاری شده بود.

درماده ششم تزه های ده گانه (۱۳ نوامبر ۱۹۸۵) نیز تأکید شده بود که:

«کلیه ملیتها، اقوام و گروه های اتنیکي ساکن در افغانستان باید، نه تنها از برابری حقوقی، دوستی و برادری برخوردار شوند، بلکه برابری واقعی را نیز در زندگی اقتصادی و درتکامل فرهنگهای کهن خویش بشمول آموزش در زبانهای مادری خود، احساس نمایند.»

تغییرات مترقی که در کشور در جهت رفع عقب ماندگی بوقوع پیوست، خشم و غضب وحشیانه و مقاومت شدید امپریالیزم و ارتجاع منطقه را برانگیخت. آنها از هیچ وسیله برای استقرار مجدد حاکمیت استعمارگران و محروم ساختن مردم ما از مزایای خوشبختی و ترقی دریغ نورزیدند.

دشمنان قسم خورده مردم و کشور باهمدستی فیودالان، سودخوران و مرتجعین فروخته شده که منافع شانرا از دست داده بودند به کمک امپریالیزم بین المللی در رأس ایالات متحده آمریکا، در راه تحقق آنچه که مردم به آن نیاز داشتند، موانع ایجاد مینمودند، آنها مساجد، مکاتب، شفاخانه ها را به آتش می کشیدند، مواد غذایی مردم را غارت میکردند، باعث اختلالات در کار مؤسسات و ترانسپورت میشدند، مانع کشت و زراعت مردم شده و اهالی ملکی و بی دفاع کشور را ترور مینمودند. همه این جنایات و اعمال ناشایسته را تحت نام دفاع از دین مبین اسلام و آزادی وطن انجام میدادند.



<https://www.youtube.com/watch?v=fJWa-H5yR8Y>

در اثر همین جنایات و مداخلات دشمنان ترقی کشور بود که تحولات اجتماعی و اقتصادی با سرعت کمتر از آنچه که پلان شده بود انجام می یافت و باعث دشواری های جدی در کار صنایع، زراعت، امور انرژی و ترانسپورت میگردد.

سطح خرابکاری ها و ضایعات اقتصادی درین دوره نهایت بزرگ و گسترده بود. با آنهم، ویرانی ها و خسارات اقتصادی میتوانست جبران گردد، ولی چیزی که جبران آن امکان ناپذیر بود، تلفات انسانی، شهادت، جراحت و معلولیت ده ها هزار هموطن ما و بهترین فرزندان میهن بود.

بیش از همه وسایل ترانسپورتی بوسیله گروه های مسلح مخالف مورد حمله قرار گرفته و نابود میگردد. طی دهه ۸۰ قرن بیستم، تعداد زیاد موترهای باربری با اموال آنها غارت و یا سوختانده شدند. بعضاً اتفاق میافتد که در جریان یکروز حتی ده ها عراده موتر توسط افراد مسلح گروه های تنظیمی غارت گردیده و شماری از رانندگان و مالکین وسایل و برخی از مسافریین که در برابر زورگویی ها و راه گیریهای آنها مخالفت یا مقاومت نشان میدادند جایجا کشته شده یا مورد آزار و اذیت، شکنجه و نابودی قرار میگرفتند، که اکثر این اشخاص معلمین، کارمندان دولت، دوکتوران، کارگران، روحانیون و ملا امامان بودند که به جرم همکاری با دولت متهم و محکوم به جزا میشدند.



<https://www.youtube.com/watch?v=W0MaQaVvywI&t=1s>

با اینکه حاکمیت نوین در جهت تأمین ترقی اجتماعی و اقتصادی، رشد فرهنگ مترقی و ملی، بلندبردن سطح زندگی مردم، برقراری صلح و امنیت

دوامدار در کشور به موفقیت‌های قابل ملاحظه نایل گردیده بود، ولی متأسفانه از اثر تغییرات در سیاست جهانی بخصوص اتحاد جماهیر شوروی وقت و توطئه دشمنان زخم برداشته، و آن رهبر خردمند و مدبر زنده یاد ببرک کارمل فقید طی یک دسیسه پلان شده کنار زده شد و در نهایت راه زوال جمهوری دموکراتیک افغانستان آغاز گردید .

منابع:

۱. ببرک کارمل، تحکیم حزب و پیوند آن با خلق
۲. تزه‌های ده گانه، کمیته مرکزی ج. د. خ. ا، تاریخ ۱۳ نوامبر ۱۹۸۵
۳. سلطان علی کشمند، یادداشتهای سیاسی و رویداد های تاریخی
۴. ببرک کارمل، به سوی جامعه نوین
۵. ببرک کارمل، در راه تحکیم حاکمیت خلق
۶. پلینوم های یازدهم، سیزدهم، پانزدهم و شانزدهم کمیته مرکزی ج. د. خ. ا
۷. اکادیمین غلام دستگیر پنجشیری، نگاشته تحت عنوان دو روز خونین تاریخ،
۸. پروفیسور رسول رهین، مقاله تحت عنوان وضع تاجیکان دردوره زمامداری ببرک کارمل

پوهنپار دوکتور نظیفه «توخی» فرزند عبدالکریم «توخی» بتاريخ ۲۱ اسد سال ۱۳۴۰ در کنړ تنورسازی شهر کابل تولد شده اند. بعد از ختم دوره ابتدائی در مکتب بیټی، درس را در لیسه عالی زرغونه موفقانه بپایان رسانیده. بعد از ختم دوره لیسه با استفاده از یک بورس تحصیلی عازم کشور بلغاریا شده و در آن کشور با اخذ دیپلوم به درجه ماستری در رشته اقتصادسیاسی موفق گردیدند. بعد از ختم تحصیل دوباره به کشور برگشته و به صفت استاد در پوهنځی اقتصاد پوهنتون کابل شروع به کار نمودند.



خدمت، جهت ادامه تحصیل بلندتر دوباره عازم کشور بلغاریا شده و با اخذ دیپلوم دوکتورا در رشته های مکرر ایکونومی و فلسفه موفق گردید.

همچنان در کشور هالند در رشته حقوق مالی نیز تحصیلات خود را ادامه داده و موفق به اخذ دیپلوم گردیده اند. از سال ۲۰۰۱ میلادی تا فعلاً منحنی کارمند مسلکی در وزارت مالیه، در کشور شاهی هالند ایفای وظیفه مینمایند.

بعد از سقوط دولت ج د ا و تشدید جنگهای خانمانسوز گروه های تنظیبهی، کشور را ناچار ترک نموده و در کشور شاهی هالند با شوهر و دو دختر شان زندگی میکنند.

در صفحات اجتماعی فعالانه سهم گرفته و ازین طریق با نشر مقالات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در خدمت مردم و کشور قرار دارند. برعلاوه برنامه اقتصادی «جهان اقتصاد» را از طریق تلویزیون وزین بهار نیز پیش میرند.